

The Policy of Researching The Social Vitality Of Elementary Teachers (Case Study: Mammollan City)

Vali Bahrami, Department of Social Science Education, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Taha Ashayeri, Assistant Professor, Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran

Mohammad Aghighi, Assistant Professor of Business Administration, Non-Profit University of Alameh Faiz Kashani Kashan, Iran.

Abstract

According to many experts and specialists, the most important factor in the ineffectiveness of Iran's education policy is the incompatibility of policies and decisions in this field with scientific, theoretical and research supports. The purpose of this research is to study the social vitality of elementary school teachers based on the ranking of factors affecting social vitality. Since political research is a process, in the preparation stage, gathering information was reviewed in the conceptualization stage, semi-structured interviews with a number of participants were conducted to obtain preliminary information, and the theories of Seligman, Tau and Diener, Shaw and Giddens were used. In the technical analysis phase, factors that may be the cause of the problem were examined. Therefore, in this research, the Analytical Hierarchy Process (AHP) method was used to determine the factors affecting the social vitality of teachers. The total number of statistical population is 110 elementary school teachers of Mammollan city, 30 of whom were selected by random sampling method. The method used in this research is the Analytical Hierarchy Process (AHP) in which pairwise comparisons of criteria and options are discussed. Construct validity was used to identify the five effective criteria on social vitality. In this research, the first ranked factor affecting teachers' social vitality is hope for the future. Religiosity, socio-economic base, level of education and social acceptance were ranked next. Also, the results of the pairwise comparison of primary school teachers' social vitality criteria based on gender showed that women considered socio-economic base and social acceptance more than men, and men considered hope for the future, level of education and religiosity more effective than women on their social vitality. After analyzing the policy recommendations and findings, solutions regarding the followings are presented strengthen the socio-economic base of teachers, pay attention to the application of academic degrees in the ranking of teachers, the development of community-oriented, civic and voluntary activities for women and the formation of a data bank related to the vitality and happiness of teachers.



Key word

Social vitality , teachers , policy Research , social acceptance , hope for the future



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاست پژوهی نشاط اجتماعی معلمان ابتدایی

(مورد مطالعه: شهرستان معمولان)

ولی بهرامی^۱، طاها عشایری^۲، محمد عقیقی^۳

چکیده

از نظر بسیاری از متخصصان و صاحب نظران، مهم ترین عامل ناکارآمدی سیاست گذاری آموزش و پرورش ایران، منطبق نبودن سیاست ها و تصمیم های این حوزه با پشتوانه های علمی، نظری و پژوهشی است. هدف از این پژوهش سیاست پژوهی نشاط اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی بر اساس رتبه بندی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی است. از آنجا که سیاست پژوهی یک فرآیند است؛ لذا در مرحله آماده سازی به گردآوری اطلاعات، در مرحله مفهوم سازی برای کسب اطلاعات مقدماتی به مصاحبه نیمه ساختاریافته با تعدادی از مشارکت کنندگان پرداخته شد و از نظریه های سلیگمن، تاو و داینر، شو و گیدنز استفاده شد؛ در مرحله تحلیل تکنیکی به بررسی عواملی که ممکن است علت مسئله باشند، پرداخته شد. در این پژوهش از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای تعیین عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان استفاده شد. تعداد کل جامعه آماری ۱۱۰ نفر از معلمان ابتدایی شهرستان معمولان است که با روش نمونه گیری تصادفی ۳۰ نفر از آن ها انتخاب شد. روش مورد استفاده در این پژوهش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) است که در آن به مقایسه زوجی معیارها و گزینه ها پرداخته شد. برای شناسایی معیارهای پنج گانه مؤثر بر نشاط اجتماعی از اعتبار سازه استفاده شد. در این پژوهش اولین عامل رتبه بندی شده مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان، امید به آینده است. دینداری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سطح تحصیلات و پذیرش اجتماعی به ترتیب در مراتب بعدی قرار گرفتند. همچنین نتایج مقایسه زوجی معیارهای نشاط اجتماعی معلمان بر اساس جنسیت نشان داد که زنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

۱. گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

۲. عضو هیات علمی گروه تاریخ و جامعه شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

۳. استادیار مدیریت بازرگانی، دانشگاه غیرانتفاعی علامه فیض کاشانی، کاشان، ایران.

Bahrami1171@cfu.ac.ir

t.ashayeri@uma.ac.ir

aghighi@ut.ac.ir

پایگاه اقتصادی - اجتماعی و پذیرش اجتماعی را بیش از مردان و مردان امید به آینده، سطح تحصیلات و دینداری را بیش از زنان بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. پس از تحلیل توصیه‌های سیاستی و یافته‌ها راهکارهای تقویت پایگاه اقتصادی - اجتماعی معلمان، توجه به اعمال مدرک تحصیلی در رتبه‌بندی معلمان، توسعه فعالیت‌های اجتماع‌محور، مدنی و داوطلبانه برای زنان و تشکیل بانک داده‌های مربوط به نشاط و شاد زیستی معلمان ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی

نشاط اجتماعی، معلمان، سیاست پژوهی، پذیرش اجتماعی، امید به آینده.

مقدمه

نشاط اجتماعی یکی از شاخص‌های مهم رفاه اجتماعی به شمار می‌رود که با پیدایش نظریه‌های جدید توسعه انسانی با محوریت سلامت و کیفیت زندگی به‌عنوان یک مقوله مهم در سیاست‌گذاری اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته مطرح شده است. در نظریه‌های نوین توسعه، پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای منوط بر نیروی انسانی سالم، کارا و متعهد است و تا زمانی زمینه و بستر رشد و تعالی انسان فراهم نشود، توسعه هم محقق نخواهد شد. یکی از مؤلفه‌های که می‌تواند در سلامت اجتماعی و فردی انسان بسیار مؤثر باشد، نشاط و شادی انسان است. شادی مترادف با پشاش و مسرور بودن است که در رفتار اجتماعی خود را نمایان می‌سازد (Seligman & Danner, 2002: 80) و حالتی مثبت که تعادل عاطفی و رضایت از زندگی را در افراد ایجاد می‌کند (Carr, 2004: 79). شادی در ادبیات علمی، سه جزء مهم خوشی، رضایت اجتماعی از زندگی و فقدان عواطف منفی درباره خود و دیگران است (بختیار نصرآبادی و پهلوان صادق، ۱۳۹۱: ۲۴). سه بعد این شادی عبارتند از:

۱. جزء هیجانی (احساسی) که فرد شادکام از نظر خلقی، شاد و خوشحال است؛
۲. جزء شناختی که باعث می‌شود فرد شادکام اطلاعات را به روش خاصی پردازش و تعبیر و تفسیر کند که در نهایت، باعث احساس شادی و خوشبینی در وی می‌شود؛
۳. جزء اجتماعی که فرد شادکام دارای روابط اجتماعی مناسبی با دیگران است (Argyle & Lu, 1990). از آثار نشاط اجتماعی، می‌توان به گسترش و توسعه مشارکت مدنی؛ تحرک اجتماعی - فیزیکی؛ شکوفایی ظرفیت اجتماعی؛ هدفمندی زندگی و کاهش احساس انومی؛ افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت

سرمایه اجتماعی؛ تعلق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، افزایش رضایت از زندگی یا رضایت شغلی- کاری، ارتقای کیفیت زیست جمعی و امید اجتماعی، پویایی فرهنگی- اجتماعی؛ از آثار نشاط اجتماعی در جامعه است. جامعه بانشاط، خرسند و شاد، دارای توسعه اجتماعی- اقتصادی بهتری خواهد بود و به‌راحتی ضمن احساس امنیت اجتماعی فراگیر، در برابر بحران‌های اجتماعی (انسانی) و غیراجتماعی (طبیعی) توان مدیریت، بردباری و تحمل را خواهد داشت. نشاط اجتماعی؛ کنشی اجتماعی- فرهنگی است که با فرهنگ، ساختار قومی، سرمایه اجتماعی، فضای اجتماعی، سطح توسعه و هنجارهای اجتماعی- قومی ارتباط دارد (عشایری و جهان‌پرور، ۱۴۰۲: ۳۲).

در جامعه خوشحال و خرسند، تولید بهتر، اشتغال بیشتر و اقتصاد، سالم‌تر است. بدون شک در چنین محیطی امنیت اجتماعی و فردی راحت‌تر به دست می‌آید. در محیط شاد، ذهن انسان پویا، زبانش گویا و استعدادش شکوفا می‌شود. شاد بودن جامعه یکی از عوامل بسیار مؤثر در توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و موجب کاهش نابسامانی‌های خانوادگی از قبیل؛ طلاق، افزایش میزان میل و رغبت تحصیلی و دل به کار دادن و افزایش تولید می‌شود. سطح پایین نشاط اجتماعی به همراه نبود رضایت از زندگی و احساس خوشبختی به گرایش‌های منفی در کل جامعه می‌انجامد که دوره‌های طولانی برآورده نشدن نیازها و آرزوها در کنار نبود نشاط اجتماعی، موجب ظهور نگرش‌های منفی و بدبینانه از نسلی به نسل دیگر خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۲۵). علاوه بر این نبود نشاط در جامعه سبب فرسایش استعداد انسانی و نیروهای اجتماعی خواهد شد و ملال و اضطراب در شرایط نابهنجار اجتماعی برای انسان در جامعه بدون نشاط، اثرت ویرانگری بر توسعه و تعالی او خواهد داشت. بر همین مبناست که در جوامع پیشرفته صنعتی که دولت از جمله اهداف خود را ارتقاء کیفیت زندگی مردم و فراهم آوردن زمینه‌های به‌روزی مردم می‌خواند، تحقیقات شادکامی لازمه ارزیابی دولت از عملکرد خود و وقوف بر عوامل نارضایتی مردم و تلاش برای زدودن یا کاهش آن‌هاست. نتایج چنین تحقیقاتی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کاربرد فراوانی دارد و اعتقاد بر این است که اگر منابع مادی فراوانی در جامعه باشد؛ ولی مردم جامعه احساس شادکامی نداشته باشند، نوعی انفعال در مردم به وجود می‌آید که این خود امری ضد توسعه است (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۳۶). لذا در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی نیز، با درک اهمیت این موضوع، بر لزوم توجه به نیروی انسانی سالم

و فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی استعداد‌های انسانی و پرورش انسان سالم، کارا، متعهد و بانشاط تأکید شده است.

طبق نتایج تحقیقات عوامل مختلفی از قبیل احساس محرومیت نسبی (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۳)؛ درآمد (Basu & Thomas, 2019)؛ اعتماد اجتماعی (ارجمندسیاپوس و همکاران، ۱۳۹۷)؛ محیط اجتماعی مطلوب، مطلوبیت و مقبولیت اجتماعی، بهداشت روانی و ارتقای میزان برخورداری، بهزیستی اجتماعی و داشتن همبستگی اجتماعی (حیدری ساریان و یاری حصار، ۱۳۹۶)؛ فشار همسالان، فشارهای اجتماعی (Tanner-Smith, 2019)؛ امنیت اجتماعی (Chang, 2009)؛ حمایت اجتماعی (Sharma & Malhotra, 2010)؛ معنویت و دینداری (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۹) بر نشاط اجتماعی اقشار مختلف جامعه اثرگذارند. در کشور ایران نیز متغیرهای رضایت از زندگی، عزت نفس، دینداری و ارتباط اجتماعی (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶)؛ اشتغال، درآمد، احساس امنیت، احساس برابری (عنبری، ۱۳۹۲)؛ بیکاری و تورم (خورسندی و علی‌بابایی، ۱۳۹۵)؛ اعتماد اجتماعی (عارف و همکاران، ۱۳۹۸)؛ مقبولیت اجتماعی، شبکه خویشاوندی، سرمایه فرهنگی، بی‌عدالتی اجتماعی (عشایری و جهان‌پرور، ۱۴۰۲) بر نشاط اجتماعی در مؤثر هستند. رتبه جوامع نشان می‌دهد که کشور ایران، از بین ۱۴۶ کشور دنیا رتبه ۱۱۰ را در نشاط اجتماعی کسب کرده است (Jan-Emmanuel & et al, 2022). گزارش جهانی طی ۹ دوره ۲۰۱۲-۲۰۲۱ نشان می‌دهد که میزان نشاط و شادی در جامعه ایرانی طی سال‌های اخیر روندی کاهشی را تجربه کرده و همواره مقدار آن در حدود متوسط مانده است (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۶). وضعیت نشاط اجتماعی ایرانیان مطابق آخرین گزارش ایسپا (مهرماه ۱۳۹۹) نشان می‌دهد که ۴۰ درصد مردم خود را فردی بانشاط می‌دانند. از سوی دیگر ۲۲ درصد افراد وضعیت نشاطشان را در سطح کم ارزیابی کرده‌اند. ۳۸ درصد پاسخگویان نیز تا حدودی خود را فردی بانشاط ارزیابی کرده‌اند (ایسپا، ۱۳۹۹). بر این اساس مطابق نتایج جهانی (۲۰۰۶-۲۰۱۹) و مطالعات داخلی (۱۳۸۶ الی ۱۳۹۹) وضعیت نشاط اجتماعی ایران تغییرات محسوسی را تجربه نکرده و در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ رتبه آن در منطقه و جهان اندکی با کاهش مواجه شده است (عشایری و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۴). از آموزش و بهداشت به‌عنوان دو بال اصلی توسعه جوامع یادشده است و اهمیت این دو حوزه بر هیچ کس پوشیده نیست (عارف و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۵)، اگر بخواهیم به بخش آموزش متمرکز شویم به نقش و

اهمیت معلمان خواهیم رسید. در ایران نیز آمارها و ارقام متفاوت و بعضاً متناقضی از وضعیت نشاط معلمان منتشر شده است که تشخیص درست بودن آن‌ها با توجه به فقر داده‌ها و اطلاعات در این زمینه کار دشواری است. بر طبق یونسکو (۲۰۲۱) شادی در مدرسه شامل سه عنصر: شادی یادگیرندگان، شادی کلاس و محیط شاد است که این سه عنصر بر شادی معلمان تأثیر دارد. معلمانی که در مدارس شاد هستند می‌توانند روابط بهتری با دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها برقرار کنند. همچنین می‌توان گفت که ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموزان به افزایش سطح شادی معلمان منجر خواهد شد (Ayyıldız & Kahveci, 2022). اگر معلمان کار خود را در محیطی آرام و راحت انجام دهند، آن‌ها به مدرسه‌ای که برای آن کار می‌کنند کمک بیشتری خواهند کرد. شادی از جنبه مهم فردی و سازمانی است و همین امر موجب می‌شود که به شادی معلمانی توجه کنیم چراکه آنان تربیت‌کننده جوانانی هستند که آینده جوامع را به دست می‌گیرند (Arslan, ۲۰۱۸). مشاهدات و شواهد در نظام آموزشی ایران نیز نشان می‌دهد که عده‌ای از معلمان خصوصاً معلمان مقطع ابتدایی در ایفای نقش خود دچار دل‌زدگی و فاصله‌گیری از نقش‌اند و تمایل و رغبت چندانی برای ایفای نقش معلمی خود ندارند. وجود افسردگی، اعتیاد، خشونت و پرخاشگری، افزایش طلاق طی سال‌های اخیر در میان معلمان استان لرستان و به‌خصوص در شهرستان معمولان، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهد، گویا شادی از میان معلمان رخت بر بسته است. فقدان رویکرد سیاست‌پژوهی نشاط محور در نظام آموزشی موجب بی‌انگیزگی معلمان به‌عنوان مهم‌ترین رکن نظام آموزشی خواهد شد. سیاست پژوهی کمک می‌کند مسائل عمومی معلمان از قبیل نشاط اجتماعی آن‌ها ادراک شود و در فضای علمی موردبررسی قرار گیرد و ارائه عملی و توصیه‌های معطوف به عمل به سیاست‌گذاران انجام شود. معلمان بانشاط، نیروی محرکه توسعه در نظام آموزش هستند، توجه به مسئله نشاط معلمان و عوامل مؤثر بر آن در چشم‌انداز سند تحول بنیادین، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نظام آموزشی برای این قشر که مسئولیت تربیت آینده‌سازان جامعه را بر عهده دارند، سبب تسهیل در امر توسعه آموزش و پرورش و توسعه همه‌جانبه خواهد شد؛ بنابراین پژوهش حاضر با رویکرد سیاست پژوهی و از طریق رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان با استفاده از روش AHP انجام گرفته است. همچنین به این سؤال از نگاه معلمان مقطع ابتدایی که کدام عامل بر نشاط اجتماعی معلمان تأثیر بیشتری دارد، پاسخ خواهد داد؟

پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که عوامل زیادی بر نشاط اجتماعی مؤثرند که می‌توان آن‌ها را به پنج دسته ویژگی‌های روان‌شناختی (شخصیت، عزت‌نفس، برون‌گرایی و خلاقیت)؛ جمعیت‌شناختی (جنسیت، وضعیت تأهل و تحصیلات)؛ اقتصادی (درآمد، اشتغال، وضعیت مسکن)؛ فرهنگی (سرمایه فرهنگی، اعتقادات مذهبی، اوقات فراغت) و اجتماعی (شبکه تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) تقسیم‌بندی کرد.

سمیعی اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران پرداخته‌اند. روش تحقیق پیمایش و ابزار جمع‌آوری داده‌های موردنیاز پرسشنامه بود. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای از خودبیگانگی، میزان درآمد، دینداری، ابعاد سرمایه اجتماعی، رضایت زندگی، رضایت شغلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی رابطه معنادار با نشاط اجتماعی افراد مورد مطالعه دارند.

بارخدا (۱۳۹۵) پنج مؤلفه مهم تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی معلمان مدارس مریوان را رضایت از زندگی، آراستگی ظاهری، تعامل اجتماعی، کارایی فردی و کمک به دیگران می‌داند. در مجموع میزان شادکامی افراد مورد مطالعه کمتر از حد مورد انتظار بوده و مناسب و رضایت‌کننده نمی‌باشد. همچنین در این بین بعد تعامل اجتماعی با میانگین رتبه‌ای ۴٫۲۶ دارای بیشترین میزان و بعد کمک کردن به دیگران با میانگین ۱٫۷۵ دارای کمترین میزان تأثیر در شادکامی افراد مورد مطالعه را داشته‌اند.

نتایج پژوهش احمدی (۱۳۹۳) بر روی دانشجویان دانشگاه پیرانشهر نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نشاط دختران و پسران وجود ندارد. در این پژوهش، رابطه معناداری بین نشاط و احساس محرومیت نسبی و امید به آینده و همچنین تفاوت معناداری بین وضعیت تأهل (متأهل یا مجرد بودن) و پایگاه اقتصادی - اجتماعی وجود دارد.

نتایج پژوهش خادمیان و فرجی (۱۳۹۲) بر میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شرق تهران نشان داد که میزان نشاط دانشجویان در حد متوسط و پایین است. همچنین بین متغیرهای تأهل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، درآمد ماهیانه خانوار، اعتماد اجتماعی، امید به آینده، خودپنداره مثبت و میزان احساس نشاط رابطه معنادار مثبت و بین متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی با احساس نشاط رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. در این پژوهش بین جنسیت و

میزان نشاط اجتماعی ارتباط معنی داری وجود ندارد.

نتایج تحقیق هزارجریبی و آستین افشان (۱۳۸۸) در شهر تهران نشان می‌دهد که بین نشاط اجتماعی و عدالت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. وقتی عدالت اجتماعی کاهش می‌یابد، نشاط اجتماعی کاهش خواهد یافت. همچنین بین احساس محرومیت نسبی بانشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، به این صورت که وقتی احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد، نشاط اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی با نشاط ارتباط معناداری را نشان می‌دهد و افرادی با پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتر نسبت به سایرین نشاط اجتماعی بیشتری دارند. آگان^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیقی، اثر متغیرهای اصلی اقتصادی کلان مانند بیکاری، تورم و درآمد سرانه را بر شادی مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه از متوسط شادی محاسبه شده برای مردم ۵۷ کشور طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۵ به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، بیکاری و تورم باعث کاهش شادی در سطح کلان شده و درآمد سرانه اثر مثبتی بر شادی دارد.

اوشی و کوو^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی دریافتند که احساس عمومی بر اساس بهزیستی و نشاط در فرهنگ‌های متفاوت با یکدیگر تغییر می‌کند. آن‌ها دریافتند که در بین امریکایی‌های اروپایی درک خود در اثر تعاملات اجتماعی و در آمریکایی‌های آسیایی درک عمیق از خود جمعی بر نشاط اجتماعی خیلی اهمیت دارد. در نتیجه، تعاملات اجتماعی یک فاکتور کلیدی در نشاط اجتماعی است.

اسنوپ^۳ (۲۰۰۸) در تحقیقی با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی رابطه بین دینداری و نشاط اجتماعی را در سه کشور ایالات متحده، دانمارک و هلند بررسی کرده است. به‌طور کلی بین دینداری و نشاط رابطه مثبت وجود دارد. این رابطه در ایالات متحده قوی‌تر از دانمارک و هلند است؛ وی نتیجه می‌گیرد که در کشورهایی که کلیسا دارای کارکردهای اجتماعی و اقتصادی بیشتری است (ایالات متحده) و اکثریت مردم مؤمن (معتقد) هستند، رابطه بین دینداری و نشاط قوی‌تر است تا در کشورهایی که کلیسا کارکردهای خود را از دست داده و مؤمنان در اقلیت هستند (دانمارک و هلند). مایرز^۴ (۲۰۰۲)، در پژوهشی دریافت که خصوصیات شخصیتی، ایمان مذهبی،

ازدواج و حمایت اجتماعی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نشاط می‌باشند. تحقیقات زیادی نشان می‌دهند که بر اساس فرهنگ، مفاهیم و عوامل مؤثر بر نشاط متغیرند (Oishi & Gilbert, 2016). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط آشکاری بین نشاط و مذهب وجود دارد (Argyle, 2002).

در مجموع عمده تحقیقاتی که در زمینه شادی و نشاط در ایران صورت گرفته غالباً در میان دانش‌آموزان یا دانشجویان بوده و کمتر به نشاط اجتماعی معلمان پرداخته‌اند. همچنین برخی از این پژوهش‌ها نشاط را از بعد روان‌شناختی و برخی آن را از نگاه جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار داده‌اند. روش پژوهشی مورداستفاده در این تحقیقات بیشتر کمی و از نوع پیمایش است. در اکثر این تحقیقات فراتر از بررسی روابط آماری بین متغیرها تحلیل دیگری از وضعیت نشاط اجتماعی در ایران ارائه نشده است. آنچه که در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود و نیاز به توجه بیشتری دارد، ترتیب اهمیت و اولویت مؤلفه‌های مؤثر بر نشاط اجتماعی است. آنچه پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند و به نوعی خلاقیت و نوآوری می‌باشد، آن است که پژوهش حاضر تنها در پی کشف، توصیف و تبیین نیست؛ بلکه با توجه به رویکرد سیاست پژوهی، می‌کوشد تا به شناخت، تحلیل مسئله و ارائه راه‌حل‌ها در مواجهه با مسئله باشد. لذا در این پژوهش به اولویت‌بندی مؤلفه‌های مهم تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی معلمان که می‌تواند در سیاست‌گذاری نشاط محور این قشر مفید باشد نیز توجه شده است.

ملاحظات نظری

امروزه اهمیت نشاط و رضایتمندی اجتماعی در زندگی انسان به اندازه‌ای قوت یافته است که در شاخص‌های متأخر توسعه در دنیا، تقریباً همسنگ و هم‌وزن متغیرهای مادی و اقتصادی انگاشته می‌شود. در این سال‌ها در ادبیات توسعه، از واژگان بدیل و جدید مانند «توسعه به‌مثابه شادی»، «شادزیستی ناخالص ملی» و «اقتصاد شادکامی» و غیره استفاده می‌شود؛ به طوری که تأثیر ضرورت شادی و نشاط علاوه بر بعد فردی، یک بعد اجتماعی نیز دارد و در این بعد باعث رشد و توسعه جامعه می‌شود، در همین راستا از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها متغیرهای نشاط اجتماعی، امید به آینده و رضایتمندی اجتماعی در میان شهروندان نیز به عنوان شاخص‌هایی کلیدی مورد محاسبه قرار گرفته‌است (Rasouli, 2017: 20). در دهه‌های اخیر عمده کشورهای دنیا موضوع خوب زیستی عمومی و ذهنی را کانون توجه و

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری خود قرار داده‌اند (Anbari, 2012). به طوری که در بلژیک دیوان برنامه‌ریزی فدرال این کشور در سال ۲۰۰۵ میلادی، برای بهبود شاخص خوب زیستی ذهنی، بر منابع انسانی، محیطی و اقتصادی به عنوان عوامل مکمل تأکید کرده است. برای این امر، این کشور سه سرمایه انسانی، محیطی و اقتصادی را مهمترین عناصر تقویت خوب زیستی اجتماعی ذکر کرده است (Hoom, 2008: 220).

زیمل

زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله شادی توجه داشته است. از نظر زیمل، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی فرد توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد (Zingerle, 2000: 466). موضع زیمل در مورد شادی موضعی دوگانه است. از سویی نشاط را به عنوان یک هدف می‌نگرد که فرد به دنبال آن است، از سویی دیگر شادی را کیفیت عمل و حالتی از ذهن می‌بیند که فرد در ارتباط با خودش دارد.

گیدنز

در اندیشه گیدنز، اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و سپردن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، دگرذیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب از جمله مهم‌ترین عوامل تأمین‌کننده نشاط و شادمانی هستند؛ اما آن بعد از اندیشه گیدنز که در اینجا بیشتر مدنظر قرار دارد، دیدگاه‌های وی در خصوص اعتماد و امنیت هستی‌شناختی است. در توضیح این مسئله می‌توان گفت که گیدنز، جامعه را به مثابه کردارهایی در نظر می‌گیرد که در طول زمان و مکان رخ می‌دهند. از دید وی بسیاری از کنش‌ها و کنش‌های متقابل که کردارهای اجتماعی را می‌سازند، به واسطه روابط اعتماد باهم پیوند می‌خورند (Kaspersen, 2000: 98). از نظر گیدنز، گذار جوامع از سنت به مدرنیته منجر به دگرگونی خاصیت اعتماد شده است. در جوامع سنتی، چهار زمینه محلی اعتماد وجود داشت که موجب تقویت امنیت هستی‌شناختی و جلوگیری از هراس می‌شدند که عبارت‌اند از: روابط خویشاوندی، اجتماع محلی، کیهان‌شناسی مذهبی و سنت (گیدنز، ۱۳۸۰)؛ اما با پیدایش جامعه مدرن این محیط‌ها به نحوی اساسی دگرگون شده‌اند، چراکه ساختار اساسی سرمایه‌داری، از چندین نظام انتزاعی تشکیل شده است که لازمه عملکرد و کارایی آن‌ها اعتماد عاملان است. در جوامع

سنتی، روابط اعتماد مستقیم و بی‌واسطه‌اند، یعنی اعتماد به افراد و دیگرانی است که در حضور فرد قرار دارند. اطمینان فرد از استمرار روال عادی همین روابط رو در رو (مثلاً عدم خیانت نزدیکان) امنیت هستی‌شناختی فرد را حفظ و نگهداری می‌کند؛ اما در مدرنیته این اعتماد به نظام‌های انتزاعی است. فرد تنها در صورتی می‌تواند امنیت وجودی خود را حفظ کند، یعنی از ادامه روال عادی زندگی اطمینان حاصل کند که احساس کند نظام‌های انتزاعی دخیل در زندگی او روال عادی خود را طی خواهند کرد (Kaspersen, 2000: 96). حفظ امنیت هستی‌شناختی، از جنبه‌ای دیگر، مستلزم پاسخ دادن به پرسش‌های وجودی است. امنیت هستی‌شناختی، از این منظر، منوط به آن است که فرد در سطح ناخودآگاه و خودآگاه عملی، برای بعضی از بنیادی‌ترین پرسش‌های وجودی پاسخی در اختیار داشته باشد. این پرسش‌های بنیادین چهار دسته‌اند: پرسش‌های مربوط به هستی (و جامعه‌بخشی از این هستی است)، پرسش‌های مربوط به فناپذیری (متناهی بودن آدمی در قیاس با نامتناهی بودن زمان)، پرسش‌های مربوط به دیگران (تعاملات اجتماعی و اعتماد) و پرسش‌های مربوط به خود (self) یعنی مسائل مربوط به هویت شخصی، بازندیشی و بدن (گیدنز، ۱۳۸۷). در صورتی که فرد (کنشگر) پاسخی منسجم و قانع‌کننده برای این پرسش‌ها نداشته باشد، با اضطراب و ناامنی روبرو شده و امنیت هستی‌شناختی وی متزلزل می‌شود. این ناامنی پیامدهای متعددی به دنبال دارد، از جمله این که کنشگر از دستیابی به استنباطی پایدار از زنده‌بودن خود عاجز می‌ماند، در هاله‌ای از نگرانی فراموش‌شدن و اضطراب از یاد رفتن به سر خواهد برد و نهایتاً این که ترس از مشکلات داشته و هراس آن را دارد که زیر فشار رویدادهای خاص درهم شکند. نتیجه این مسئله می‌تواند اندوه، هراس و اضطراب جانکاهی باشد که فرد را در خود غرق کرده و با سلب آرامش و اطمینان خاطر وی، زمینه‌های شادمانی و نشاط را از بین می‌برد. پس می‌توان گفت که از دید گیدنز، مسئله‌ای که بیش از هر چیزی با نشاط اجتماعی ارتباط دارد و می‌تواند موجب افزایش یا کاهش آن شود، امنیت هستی‌شناختی است.

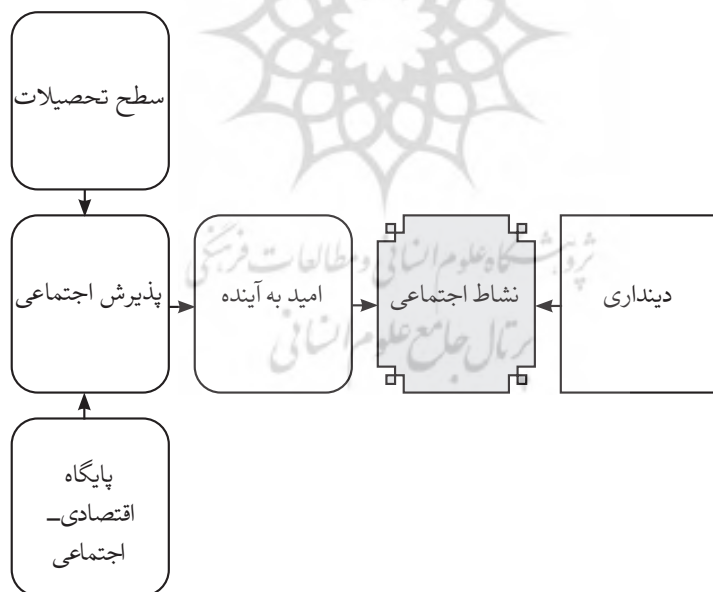
در نهایت تدگر^۱ (۱۹۷۰)، به هنگام بحث از محرومیت نسبی در کتاب خود به نام «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» بیان می‌کند: نارضایتی‌های اجتماعی همیشه در نتیجه بروز این احساس و حالت روانی به انسان‌ها دست می‌دهد. به اعتقاد وی شرایط بروز احساس محرومیت، یگانه و همانند نیست، بلکه می‌توان انواع گوناگون و شرایط متعدد

بروز آن را از یکدیگر تفکیک کرد. او خود سه نوع محرومیت را از یکدیگر متمایز کرده است: اول، محرومیت ناشی از کاهش امکانات که در آن توقعات ثابت باقی می‌مانند؛ دوم، محرومیت ناشی از افزایش سطح توقعات که در آن امکانات نسبتاً ثابت هستند؛ سوم، محرومیت فزاینده که در آن توقعات افزایش و امکانات کاهش می‌یابد. از نظر او تئوری محرومیت نسبی، ریشه در فرضیه ناکامی پرخاشگری دارد و از نظر دیگر احساس محرومیت، خود نتیجه فزاینده مقایسه است. به‌طور کلی بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آن‌ها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، در نتیجه دچار احساس محرومیت نسبی می‌گردد و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت (عدم نشاط) در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود (هزارجریبی و آستین فشان، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۱۹).

سلیگمن^۱ به نقش مذهب در نشاط اجتماعی اشاره می‌کند؛ به اعتقاد او دینداری دست‌کم به سه طریق در افزایش سطح نشاط اجتماعی مؤثر است: نخست اینکه دینداری ارائه‌دهنده یک نظام منسجم اعتقادی است که به انسان این امکان را می‌دهد تا برای زندگی به جست‌وجوی معنا بپردازد و برای آینده امید بیابد؛ دوم اینکه نظام‌های اعتقادی دینداری کمک می‌کند تا فرد دلایل قابل قبول و دست‌کم آرامش‌بخشی را برای توجیه ناکامی‌ها، شکست‌ها و مصائب زندگی خود بیابد؛ سوم این که افرادی که واقعاً دیندار هستند و عنصر مذهب در اعتقادات آن‌ها نیرومند است، گرایش کمتری نسبت به انحرافات دارند و رفتارهای نیکو، جامعه‌پسند و انسان‌دوستانه بیشتری انجام می‌دهند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۵). تاو و داینر معتقدند که همیاری و اعتماد، دارای تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بر نشاط اجتماعی هستند. تعاملات تعاونی به‌واسطه تحریک عواطف و نگرش مثبت دارای تأثیرات کوتاه‌مدت بر نشاط است. زمانی که مشارکت‌کنندگان در یک فعالیت تعاونی ساخت یافته با عضو یک گروه اجتماعی «داغ‌خورده» درگیر می‌شوند، نسبت به زمانی که به‌صورت فردی کار می‌کنند، بیشتر به توسعه نگرش‌های مثبت گروه می‌پردازند؛ سپس تاو و داینر به بررسی تأثیرات طولانی‌مدت همیاری و اعتماد بر نشاط اجتماعی می‌پردازند. کارهای دسته‌جمعی در مقایسه با تلاش‌های فردی

به‌طور مؤثرتری حمایت اجتماعی را افزایش می‌دهند. چنین کارهای دسته‌جمعی ممکن است باعث افزایش روابط مثبت با دیگران در راستای اهداف مشترک شوند و به افراد در کسب منابع اجتماعی که از نیرومندترین همبسته‌های بهزیستی ذهنی هستند، کمک کنند. اعتماد و همیاری، با تسهیل توسعه روابط اجتماعی می‌تواند بر نشاط اجتماعی مؤثر باشند. (Tov & Diener, 2007)

شوا' از جمله نظریه‌پردازانی است که نظریه امید خود و اهمیت آن را در نشاط اجتماعی مطرح می‌کند. یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در به وجود آمدن احساس نشاط و شادی، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده است. احساس اضطراب یا نگرانی با عدم امید به آینده رابطه مستقیم دارد. امید به آینده دست یافتن به هدف یا انتظار دستیابی به هدف می‌باشد، به‌گونه‌ای که شو تئوری امید را تئوری انگیزش نامیده است (Kampel, 1981). با توجه به نظریات مطرح شده می‌توان مدل زیر را برای نشاط اجتماعی معلمان ترسیم کرد.



نمودار ۱. مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر تنها در پی کشف، توصیف و تبیین نیست؛ بلکه با توجه به رویکرد سیاست پژوهی، می‌کوشد تا در پی شناخت، تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل‌ها در مواجهه با مسئله باشد. سیاست پژوهی فرآیندی است که پیامد آن ارائه دانش مستند درباره یک مسئله و ارائه توصیه‌های عقلانی معطوف به عمل به منظور حل آن مسئله است (Majchrzak & Markus, 2014). جامعه‌آماری تحقیق شامل ۱۱۰ نفر از معلمان شاغل در مقطع ابتدایی شهرستان معمولان است که ۳۰ نفر از آنان به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. سیاست پژوهی فرآیندی شامل پنج مرحله عمده آماده‌سازی، مفهوم‌سازی، تحلیل تکنیک، تحلیل توصیه‌های تحقیق و انتقال نتایج است (موسوی، ۱۳۹۶: ۴). در آماده‌سازی به گردآوری اطلاعات در مورد مسئله نشاط اجتماعی معلمان؛ در مفهوم‌سازی برای کسب اطلاعات مقدماتی به مصاحبه با تعدادی از این معلمان؛ در تحلیل تکنیکی به بررسی عواملی که ممکن است علت مسأله اجتماعی باشند پرداخته شد؛ لذا از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای تعیین عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان استفاده شد. در این پژوهش با استناد به نظرات متخصصان و مدرسین دانشگاه اعتبار پرسشنامه تأیید شد. برای شناسایی معیارهای پنج‌گانه مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان از اعتبار سازه استفاده شد. در این شیوه ارزیابی سنججه برحسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد (De Vaus, 2013: 64). معیارهای پنج‌گانه عبارت‌اند از: پایگاه اقتصادی- اجتماعی، امید به آینده، پذیرش اجتماعی، سطح تحصیلات و دینداری است. هرکدام از این معیارها با پنج سؤال (یا وسیله اندازه‌گیری) سنجیده شده‌اند. اعتبار نظری پنج‌گویه به عنوان وسیله اندازه‌گیری معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی برابر با $0/683$ ؛ برای پنج‌گویه امید به آینده برابر با $0/712$ ؛ برای پنج‌گویه پذیرش اجتماعی برابر با $0/618$ ؛ برای پنج‌گویه سطح تحصیلات برابر با $0/728$ و برای پنج‌گویه دینداری برابر با $0/632$ است.

تعریف مفهومی متغیرها

سیاست پژوهی: سیاست پژوهی فرآیند انجام تحقیق درباره مسئله اجتماعی یا تحلیل آن به منظور ارائه توصیه‌های عملی به سیاست‌گذاران است (Majchrzak, 2014).
نشاط اجتماعی: یک وضعیت روانی مثبت که توأم با خشنودی و رضایت‌مندی است. به عبارتی، شادی را می‌توان رضایت‌مندی اجتماعی، روانی و جسمانی یا رضایت‌مندی از جریان زندگی تعریف کرد (Lu, 2001).
محرومیت نسبی: رانسیمن محرومیت نسبی را این‌گونه تعریف می‌کند: فردی به

محرومیت نسبی دچار می‌شود که: ۱. آنچه را که بقیه افراد دارند، ندارد؛ ۲. فرد این تفاوت بین خود و دیگری یا دیگران (تفاوت بین شرایط موجود خود و شرایط دلخواه دیگران) را به‌عنوان محرومیت تلقی کند؛ بنابراین میزان احساس محرومیت به میزان تفاوت بین شرایط کنونی و شرایط دلخواه فرد بستگی دارد (Runciman, 1966).

پذیرش اجتماعی: پذیرش اجتماعی بیانگر ارزش، احترام و منزلتی است که برای یک فرد از سوی خانواده و جامعه در نظر گرفته می‌شود (Alerd & Smith, 1989). امید به آینده: امید به آینده عبارت است از تمایلی که با انتظار وقوع مثبت همراه است یا به عبارت دیگر ارزیابی مثبت از آنچه را که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد (Jeniya & shaw, 1991: 170).

دینداری: دینداری به رفتار دینی در قبال باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دین‌دار با آن تعریف می‌شود (غلام‌زاده بهبهانی، ۱۳۸۵: ۳۷؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۳). دینداری به تبعیت از مدل گلارک و استارک که شناخته‌شده‌ترین سنجه دینداری است، به چهار بعد: اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی تقسیم شده است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای پاسخگویان

متغیرهای جمعیت‌شناسی	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۴۳/۳۳
	مرد	۵۶/۶۷
مدرک تحصیلی	کاردانی	۱۶/۶۷
	کارشناسی	۵۰
	کارشناسی ارشد	۳۳/۳۳
سابقه خدمت	۱ تا ۱۰	۴۰
	۱۰ تا ۲۰	۳۳/۳۳
	۲۰ تا ۳۰	۲۶/۶۷

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، از پاسخگویان مورد مطالعه ۱۳ نفر زن و

۱۷ نفر مرد می‌باشند که به ترتیب ۴۳/۳۳ درصد و ۵۶/۶۷ از کل نمونه را به خود اختصاص دادند. وضعیت مدرک تحصیلی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵ نفر با مدرک کاردانی، ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی و ۱۰ نفر با مدرک کارشناسی ارشد که به ترتیب ۱۶/۶۷، ۵۰ و ۳۳/۳۳ درصد از کل نمونه می‌باشند. از نظر وضعیت سابقه خدمت ۱۲ نفر بین ۱ تا ۱۰ سال، ۱۰ نفر بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۸ نفر ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه خدمتی دارند که این اعداد به ترتیب شامل ۴۰، ۳۳/۳۳، ۲۶/۶۷ درصد از کل نمونه آماری است.

ب) یافته‌های استنباطی

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) برای حل مسئله تخصیص منابع کمیاب و نیازهای برنامه‌ریزی شده و به‌عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند معیاره برای حل مسائل ساختار نیافته و مدل‌سازی در حوزه‌های مختلف نیازها و علایق انسانی مانند علوم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریت و علوم تربیتی بر پایه مقایسه زوجی به کار می‌رود. این روش را اولین بار توماس آل. ساعتی در دهه ۱۹۷۰ ابداع کرد و در ابتدا برای تصمیم‌گیری‌های انفرادی در محیطی متلاطم و فازی به کار رفت (Saaty, 1977: 234). سپس در دهه هشتاد به چگونگی استفاده از آن در تصمیم‌گیری‌های گروهی پرداخته شد. استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی در تصمیم‌گیری‌های گروهی موجب خواهد شد که نه تنها مزایای روش تصمیم‌گیری گروهی حفظ شود، بلکه معیار آن‌ها (همانند سرعت، هزینه و تک فکری) برطرف شود. این روش به ما کمک می‌کند تا بتوانیم تصمیمات مناسب برای موضوعات پیچیده را با ساده کردن و هدایت مراحل تصمیم‌گیری اتخاذ کنیم. توماس ساعتی چهار اصل شرط معکوس^۱، همگنی^۲، وابستگی^۳ و انتظارات^۴ را اصول روش تحلیل سلسله مراتبی دانسته و تمام محاسبات، قوانین و مقررات را بر این اصول بنانده است (Saaty, 1980: 426). روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، مستلزم شکستن مسئله تصمیم‌گیری به چندین شاخص و سلسله مراتبی از سطوح است که جهت تحقق آن از درخت تصمیم استفاده می‌شود. برای گرفتن یک تصمیم نیازمند شناخت مسئله، نیازها، اهداف تصمیم، معیارهای تصمیم، ذینفعان و گروه‌های تحت تأثیر و اقدامات جایگزینی هستیم. یکی از بهترین روش‌های که در این فرایند به ما کمک

1. Reciprocal Condition
2. Homogeneity
3. Dependency
4. Expectations

می‌کند، فرایند تحلیل سلسله مراتبی است. AHP در زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری استفاده می‌شود. این تصمیم‌گیری شامل بسیاری از معیارها و غیرمعیارها می‌باشد (Saaty, 2008: 84-95). اولین گام در روش تحلیل سلسله مراتبی، ایجاد ساختار سلسله مراتبی است. سلسله مراتبی نمایشی گرافیکی از مسئله پیچیده واقعی است که در رأس آن هدف کلی مسئله و در سطوح بعدی معیار، شاخص‌ها و گزینه‌های تصمیم قرار دارند. سپس برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان بر اساس تحلیل سلسله مراتبی مراحل زیر طی شد:

الف) نرمال کردن ماتریس زوجی؛

ب) به دست آوردن میانگین هندسی هر سطر ماتریس بهنجار شده مقایسه زوجی؛

ج) ضرب وزن نسبی (WC) شاخص‌ها در میانگین هندسی گزینه‌ها؛

د) رتبه‌بندی کردن معیارها؛ سپس اهمیت نسبی مشخصه‌ها (معیارها و گزینه‌ها) توسط معلمان مقطع ابتدایی منطقه معمولان، مورد مقایسه قرار گرفتند. معلمان طبق جدول شماره (۱) به پرسشنامه پاسخ دادند. دامنه سؤال از ۱ تا ۹ است.

جدول ۲. ارجحیت نسبی معیارها و گزینه‌ها در مقایسه زوجی

درجه ارجحیت	توصیف
۹	بسیار مهم‌تر
۷	مهم‌تر
۵	کمی مهم‌تر
۳	اهمیتی ندارد
۱	اهمیت یکسان
۲، ۴، ۶، ۸	ارزش‌های بینابین

ساختار کلی AHP از سه قسمت گزینه‌ها، معیارها و هدف تشکیل می‌شود و قضاوت‌ها با مقادیر کمی از طریق مقیاس زوجی انجام می‌گیرد. ابتدا اهمیت معیارها نسبت به هدف و سپس اولویت‌بندی گزینه‌ها نسبت به هر یک از معیارها در ماتریس‌های مقیاس زوجی انجام می‌شود. در نهایت وزن معیارها و گزینه‌ها مشخص می‌شود. از مزایای این روش نسبت به سایر روش‌ها می‌توان به سادگی و قابل‌درک بودن آن، امکان محاسبه ناسازگاری قضاوت‌ها، ساختار سلسله مراتبی فرایند و امکان در نظر گرفتن معیارهای کمی و کیفی اشاره کرد (Ghodsipour, 2016: 25-30). بدین ترتیب

ما از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP استفاده کرده‌ایم. به صورت کلی می‌توان ماتریس مقایسه زوجی را به صورت زیر نشان داد:

$$A = [a_{ij}] \text{ یا } \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ a_{n1} & a_{n2} & \dots & a_{nn} \end{bmatrix}$$

$i, j = 1, 2, \dots, n$

که در a_{ij} میزان ترجیح حاصل از مقایسه دو جایگزین i, j است. حال از طریق ماتریس مقایسه زوجی می‌توان وزن راهکارهای اصلی و فرعی را به دست آورد.

محاسبه وزن‌ها

برای به دست آوردن وزن هر یک از معیارها، ابتدا عناصر ماتریس مقایسه زوجی نرمال شد.

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^n a_{ij}}$$

که در آن r_{ij} میزان ترجیح نرمال شده دو جایگزین i و j و $\sum_{j=1}^n a_{ij}$ جمع عناصر در هر ستون ماتریس است. از این رو، ماتریس مقایسه زوجی، از تقسیم هر عنصر در جمع ستون خودش نرمال می‌شود. سپس، میانگین عناصر در هر سطر از ماتریس نرمال، محاسبه می‌شود که همان وزن معیارها را نشان می‌دهد.

$$W_i = \frac{1}{n} \left[\sum_{j=1}^n r_{ij} \right]$$

در رابطه فوق، W_i وزن معیار i او و n تعداد عناصر مورد مقایسه در هر سطر است. ذکر این نکته لازم است که در تصمیم‌گیری‌های گروهی برای انجام ماتریس گروه‌ها از میانگین هندسی پاسخ‌های پرسش‌شوندگان به عنوان ماتریس استفاده می‌شود.

$$\overline{a_{ij}} = \left(\prod_{k=1}^p a_{ij}^{(k)} \right)^{\frac{1}{p}}$$

که در آن میانگین هندسی میزان ترجیحات دو جایگزین i, j و k کد مربوط به فرد پرسش‌شونده و p تعداد افرادی است پرسشنامه توسط آن‌ها تکمیل گردید. ارزیابی پرسشنامه توسط محققان نشان داد که نظرات کارشناسان و همچنین پاسخگویان در خصوص عوامل و معیارهای تأثیرگذار از روند مشابهی برخوردار بوده است؛ بنابراین در این مطالعه محاسبه میانگین هندسی به جای میانگین وزنی هندسی مناسب تشخیص داده شد. تمامی مراحل ذکر شده فوق (ترسیم درخت تصمیم‌گیری، محاسبه وزن معیارها، زیر معیارها و ماتریس مقایسه زوجی) از طریق نرم‌افزار Exel و به روش AHP انجام شد. گام نهایی نیز بررسی سازگاری ماتریس‌های مقایسه زوجی است. روش تحلیل سلسله مراتبی، ناسازگاری کلی قضاوت‌ها را با استفاده از نرخ سازگاری محاسبه می‌کند. مقدار سازگاری محاسبه‌شده باید ۱۰ درصد یا کمتر باشد. اگر این مقدار ۱۰ درصد بیشتر باشد، ممکن است قضاوت‌ها به صورت متضاد باشد و باید در آن‌ها تجدیدنظر کرد.

محاسبه معیارها

برای محاسبه معیارها، ابتدا وزن هر کدام از معیارها به صورت نمرات خام محاسبه شده است.

جدول ۳. محاسبه میانگین نمرات معیارهای پنج‌گانه نشاط اجتماعی معلمان ابتدایی

معیارها	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	پذیرش اجتماعی	امید به آینده	دینداری	سطح تحصیلات
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۱	۲/۸۳۶۸۳	۳/۰۵۲۶۹۸	۲/۹۲۶۳۵	۳/۲۹۳۵۴۵
پذیرش اجتماعی	۳/۲۸۸۰۴	۱	۴/۳۹۲۱	۲/۸۵۶۵	۲/۷۱۲۸
امید به آینده	۲/۶۴۷۱	۱/۶۵۲۶۹	۱	۴/۲۸۵۰۸	۴/۶۶۸۳۶
دینداری	۳/۳۰۹۸۴	۳/۵۱۱۷۵	۲/۱۶۵۲۹۱	۱	۳/۳۲۵۲۹۱
سطح تحصیلات	۳/۱۸۷۹۴	۳/۷۸۶۲۴	۱/۸۲۴۷۶۲	۳/۰۵۰۱۶	۱

سپس با استفاده از جدول نمرات خام وزن هرکدام از معیارهای پنج‌گانه مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان را به نمره نرمال شده تبدیل شد. تجزیه و تحلیل این جدول نشان می‌دهد که در بین ابعاد نشاط اجتماعی، امید به آینده اولویت نخست را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر بیشترین عامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان ابتدایی، بعد امید به آینده است. دینداری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سطح تحصیلات و پذیرش اجتماعی به ترتیب در مراتب بعدی قرار گرفتند. همچنین از آنجایی که نرخ سازگاری (۰/۰۹۱) کمتر از ۱/۰ است، به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول بوده‌اند و نیازی به رفع ناسازگاری نمی‌باشد.

جدول ۴. محاسبه نمره نرمال شده معیارهای پنج‌گانه نشاط اجتماعی معلمان ابتدایی

میانگین هنجاری	سطح تخصیلات	دینداری	امید به آینده	پذیرش اجتماعی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	NDM
۰/۱۷۹۱۶۶	۰/۲۱۹۵۷	۰/۲۰۷۲۸	۰/۲۴۵۴۹۵۳	۰/۲۲۱۸۴	۰/۰۷۶۲۸	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۰/۱۴۱۳	۰/۱۸۰۸۵۳	۰/۲۰۲۳۳	۰/۰۸۰۴۱۹۱	۰/۰۷۸۲	۰/۲۴۴۷۷	پذیرش اجتماعی
۰/۱۸۰۸۵	۰/۳۱۱۲۲۴	۰/۳۰۳۵۲	۰/۰۸۰۴۱۹۱	۰/۱۲۹۲۴	۰/۱۹۷۰۶	امید به آینده
۰/۱۷۹۲۲۴۴	۰/۲۲۱۶۸۶	۰/۰۷۰۸۳	۰/۱۷۴۱۳۰۸	۰/۲۷۴۶۲	۰/۲۴۶۴	دینداری
۰/۱۷۱۵۳۷	۰/۰۶۶۶۶۷	۰/۲۱۶۰۵	۰/۱۴۶۷۴۵۸	۰/۲۶۹۰۹	۰/۲۳۷۳۲	سطح تحصیلات
			۰/۰۹۱			نرخ سازگاری

مقایسه گزینه‌های جنسیت (زن و مرد)

در ادامه هر کدام از معیارهای نشاط اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی را با توجه به دوگزینه مرد و زن (جنسیت) مقایسه زوجی کرده‌ایم. سپس هر کدام از معیارها را در گزینه‌ها نرمال کرده و میانگین هندسی محاسبه شد. جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که زن‌ها ۴۴ درصد معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مردها ۳۸ درصد آن را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. از آنجایی که نرخ سازگاری (۰/۰۹۳) کمتر از ۰/۱ به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول بوده و نیازی به رفع ناسازگاری نمی‌باشد.

جدول ۵. محاسبه نمرات خام و نرمال شده معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر اساس جنسیت

میانگین هندسی	زن	مرد	NDM	زن	مرد	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۰/۳۸۰۶۸	۰/۷۶۵۶۲	۰/۱۸۹۲۳	مرد	۳/۲۶۶۵	۱	مرد
۰/۴۳۵۹۱	۰/۲۳۴۳۸	۰/۸۱۰۷۲	زن	۱	۴/۲۸۳۲	زن
	۰/۰۹۳		نرخ سازگاری			

جدول ۷ نشان می‌دهد که زنان و مردان تقریباً به نسبتی برابر، پذیرش اجتماعی را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. به این صورت که زنان، ۴۵ درصد و مردان ۴۳ درصد پذیرش اجتماعی را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر دانستند. از آنجایی که نرخ سازگاری (۰/۰۹۸) کمتر از ۰/۱ به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول بوده‌اند و نیازی به رفع ناسازگاری نمی‌باشد.

جدول ۶. محاسبه نمرات خام و نرمال شده معیار پذیرش اجتماعی بر اساس جنسیت

میانگین هندسی	زن	مرد	پذیرش اجتماعی	زن	مرد	پذیرش اجتماعی
۰/۴۲۵۴۸	۰/۷۲۶۳۵	۰/۲۴۹۲۳	مرد	۲/۶۵۴۳	۱	مرد
۰/۴۵۳۲۶	۰/۲۷۳۶۵	۰/۷۵۰۷۷	زن	۱	۳/۰۱۲۳	زن
	۰/۰۹۸		نرخ سازگاری			

با توجه به جدول شماره ۸، مردان ۴۵ درصد و زنان ۴۲ درصد بعد امید به آینده را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. از آنجایی که نرخ سازگاری (۰/۰۹۳) کمتر

از ۰/۱ به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول‌اند و نیازی به رفع ناسازگاری نداریم.

جدول ۷. محاسبه نمرات خام و نرمال شده معیار امید به آینده براساس جنسیت

میانگین هندسی	زن	مرد	امید به آینده	زن	مرد	امید به آینده
۰/۴۵۳۳	۰/۷۵۵۲۲	۰/۲۷۲۰۹	مرد	۳/۰۸۵۳	۱	مرد
۰/۴۲۲۱۱	۰/۲۴۴۷۸	۰/۷۲۷۹۱	زن	۱	۲/۶۷۵۳	زن
	۰/۰۹۳	نرخ سازگاری				

تجزیه و تحلیل جدول شماره ۹، نشان می‌دهد که زنان و مردان به طور برابر، بعد دینداری را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. مردان و زنان به ترتیب، ۴۱ و ۴۰ درصد بعد دینداری را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. از آنجایی که نرخ سازگاری (۰/۰۹۴) کمتر از ۰/۱ به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول‌اند و نیازی به رفع ناسازگاری نداریم.

جدول ۸. محاسبه نمرات خام و نرمال شده معیار دینداری براساس جنسیت

میانگین هندسی	زن	مرد	دینداری	زن	مرد	دینداری
۰/۴۰۵۱۷	۰/۸۰۰۴۹	۰/۲۰۵۰۷	مرد	۴/۰۱۲۳۲	۱	مرد
۰/۳۹۸۲۴	۰/۱۹۹۵۱	۰/۷۹۴۹۳	زن	۱	۳/۸۷۶۳	زن
	۰/۰۹۴	نرخ سازگاری				

جدول شماره ۱۰، نشان می‌دهد که مردان بیش از زنان سطح تحصیلات را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند، به این صورت که مردان ۴۶ درصد و زنان ۴۱ درصد سطح تحصیلات را بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. باتوجه به نرخ سازگاری (۰/۰۹۴) کمتر از ۰/۱، وزن‌های تخصیص یافته، قابل قبول بوده و نیازی به رفع ناسازگاری نیست.

جدول ۹. محاسبه نمرات خام و نرمال شده معیار سطح تحصیلات براساس جنسیت

سطح تحصیلات	مرد	زن	سطح تحصیلات	مرد	زن	میانگین هندسی
مرد	۱	۳/۳۲۱۴	مرد	۰/۲۸۰۶۵	۰/۷۶۸۵۹	۰/۴۶۴۴۴
زن	۲/۵۶۳۲	۱	زن	۰/۷۱۹۳۵	۰/۲۳۱۴۱	۰/۴۰۸
			نرخ سازگاری	۰/۰۹۴		

در مرحله نهایی با دستور SUMPRODUCT مجموع نمرات نرمال شده گزینه‌ها در مجموع نمرات نرمال شده معیارها، ضرب و حاصل آن به عنوان نمره نهایی ماتریس تصمیم محاسبه گردید. جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد که در کل سهم معلمان زنان و مرد در نشاط اجتماعی به ترتیب ۰/۴۸ و ۰/۵۲ درصد است. از آنجایی که نرخ سازگاری (۰/۰۹۱) کمتر از ۰/۱ به دست آمده است، وزن‌های تخصیص یافته قابل قبول بوده و نیازی به رفع ناسازگاری نمی‌باشد.

جدول ۱۰. محاسبه نمرات نرمال شده معیارها براساس جنسیت

NDM	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	پذیرش اجتماعی	امید به آینده	دینداری	سطح تحصیلات	نمره نهایی
زن و مرد	۰/۳۸۰۶۸	۰/۴۲۵۴۸	۰/۴۵۳۳	۰/۴۰۵۱۷	۰/۴۶۴۴۴	۰/۵۲
زن و زن	۰/۴۳۵۹۱	۰/۴۵۳۲۶	۰/۴۲۲۱۱	۰/۳۹۸۲۴	۰/۴۰۸	۰/۴۸
وزن معیارها	۰/۱۷۹۱۴۷	۰/۱۴۱۳	۰/۱۸۰۸۵۱	۰/۱۷۹۲۴۲	۰/۱۷۱۵۳۷	
نرخ سازگاری			۰/۰۹۱			

بحث و نتیجه گیری

با توجه به مباحث نظری و پیشینه تحقیقات بررسی شده، نشاط اجتماعی در هر سازمان و نهادی مسئله مهمی تلقی می‌شود. نقش معلمان و رسالت خطیر آنان در توسعه انسانی مهم و داشتن معلمان با نشاط یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران اجتماعی و کارگزاران نظام آموزشی است. پژوهش حاضر به سیاست‌پژوهی نشاط اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی براساس رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی است با روش (AHP) پرداخته است. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که امید به آینده مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی به شمار می‌رود. نتایج پژوهش همسو با نتایج

پژوهش پناهی و دهقانی (۲۰۱۱)، احمدی (۲۰۱۳)، خادمیان و فرجی (۱۳۹۲) است. معلمان وقتی به ارزیابی وضعیت موجود خود در اجتماع می‌پردازند و انتظار دستیابی به اهداف مورد نظر خود را در آینده دارند، انگیزه و میل چندانی برای تلاش و ارتقای طبقه شغلی و اجتماعی خود در آینده ندارند و امید به آینده کمتری دارند. آن‌ها نتیجه ۳۰ سال کار در آموزش و پرورش را رسیدن به حداقل‌های زندگی می‌دانند که بیشتر کارکنان دیگر وضعیت بهتری در شاخص‌های رفاهی و مادی مورد نظر دارند و به معلمان بازنشسته‌ای که اکنون برای تأمین معیشت خود به شغل‌های کاذب روی آورده‌اند؛ اشاره می‌کنند. مشاهدات و مصاحبه‌ها و توجه به حرف‌ها، رفتارها و افکار معلمان نشان می‌دهد که آنها بر اساس وجدان، نگرش شخصی خود، ارزش‌های موجود در نظام آموزش و پرورش و جامعه را معنا و بازتعریف می‌کنند. آن‌ها وقتی وضعیت موجود خود را با کارمندان سایر نهادها، همسالان و دوستان دیرینه خود مقایسه می‌کنند و می‌سنجند، احساس منفی و احساس محرومیت در آنان به وجود می‌آورد. در بعضی مواقع احساس می‌کنند که از زندگی عقب افتاده‌اند و کاش شغل دیگری را انتخاب می‌کردند؛ بنابراین آنها در میان انبوهی از این ارزش‌ها و اهداف دست به انتخاب می‌زنند و در هاله‌ای از قضاوت‌های ارزشی ناشی از دیگران، سایر نهادها و جامعه قرار دارند که نگاه آنها نسبت به این معلمان ارزش‌ها و باورها را به طور موقت دستخوش تغییر و دگرگونی قرار می‌دهد. نتیجه برهم کنش این عوامل چیزی جز کاهش امید به آینده در بین معلمان نخواهد بود. در رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و دینداری به نسبتی تقریباً برابر دومین عامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان شناخته شد. نتایج پژوهش همسو با پژوهش مایرز (۲۰۰۲)، اسنوپ (۲۰۰۸)، سمیعی اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) است. پایگاه اقتصادی - اجتماعی به عنوان یکی از منابع تأمین امنیت فکری موجب حضور و مشارکت بیشتر معلمان در عرصه اجتماع می‌شود و از طریق تقویت سرمایه اجتماعی موجب افزایش نشاط اجتماعی معلمان می‌شود. نتیجه این بعد پژوهشی با نتایج پژوهش هزارجریبی و آستین افشین (۲۰۰۹)، آگان و همکاران (۲۰۱۶) همسو است. می‌توان گفت پایگاه اقتصادی - اجتماعی معلمان منشأ بروز احساس سلامت، رفاه مادی، رضایت شغلی و در مجموع احساس بهبودی، آسایش و شادمانی است. ارتقای پایگاه اقتصادی - اجتماعی معلمان نیز می‌تواند در عدالت اجتماعی و کاهش احساس تبعیض نسبت به سایر نهادها و سازمان‌ها مؤثر باشد و فرصت آزادی و اختیار بیشتری برای آنان فراهم سازد؛ همچنین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین معلمان سبب شده که در خانواده و جامعه احساس خودکم‌بینی و حقارت کنند و

دغدغه بیشتری برای تأمین معیشت زندگی داشته باشند و این موجب روی آوردن به سمت شغل‌های کاذب که در تضاد به شان و منزلت حرفه معلمی است نیز می‌شود؛ و همین کاهش پایگاه اقتصادی - اجتماعی معلمان مرد موجب شده که نتوانند جایگاه مناسبی در خانواده و اجتماع داشته باشند و مقایسه پایگاه اجتماعی خود با مشاغل دیگر باعث ایجاد احساس محرومیت شدید معلمان نسبت به دیگر مشاغل شده است. محرومیت نسبی و این نو ناهمگونی منزلتی (تفاوت بین منزلتی که خود انتظار آن را دارد و آنچه دیگران برای آنها قائل هستند) باعث شده که این سنخ از معلمان یا دچار اختلالات روحی - روانی شده یا گرفتار آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق شوند و این امر موجب کاهش شادی معلمان می‌شود. دینداری در این پژوهش خصوصاً برای مردان اهمیت ویژه‌ای در نشاط اجتماعی معلمان دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های اسنوپ (۲۰۰۸)، آرگیل (۲۰۰۲) و کونینگ و همکاران، (۲۰۱۲) همسو است. در واقع اولویت مؤلفه دینداری از دو بعد فردی و اجتماعی قابل تبیین است. دینداری در بعد فردی از طریق امیدآفرینی و ایمان و آرامش روانی؛ فرد را از بیگانگی، آنومی و احساس سردرگمی نجات داده و به ایجاد نشاط ذهنی معلمان کمک می‌کند و در بعد اجتماعی خصوصاً مناسک جمعی مذهبی به واسطه ایجاد شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و فرصتی برای فراغت جمعی و تقویت همبستگی اجتماعی در ایجاد نشاط اجتماعی معلمان مؤثر است. سطح تحصیلات در مجموع به عنوان سومین متغیر تأثیرگذار بر نشاط اجتماعی معلمان شناخته شد. این متغیر ناهمسو با نتایج پژوهش هزار جریبی و آستین افشین (۲۰۰۹) است. بررسی اسناد فرادستی، بخشنامه‌ها و پژوهش‌های موجود در نظام آموزش و پرورش ایران نشان می‌دهد که در رتبه‌بندی معلمان طی سال‌های اخیر، سطح تحصیلات معلمان در نظام رتبه‌بندی شغلی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تفاوت فاحش شغلی بیان معلمانی که سطح تحصیلات تکمیلی دارند با معلمانی که سطح تحصیلات مبتدی دارند، وجود ندارد و حتی در طی سال‌های اخیر با وجود بخشنامه‌های وزارتی مانع ادامه تحصیل معلمان خصوصاً در مقاطع ابتدایی می‌شوند. علاوه بر این تمام وقت بودن کار معلمان ابتدایی در طول هفته سبب شده که از ورود به دانشگاه‌های دولتی محروم شوند و به دانشگاه‌های آزاد و غیر دولتی راه پیدا کنند که هزینه‌های مالی برای آنها خواهد داشت و این معلمان معتقدند که ادامه تحصیل نه تنها در میزان افزایش حقوق تأثیر چندانی ندارد، بلکه سبب افزایش سطح انتظارات و توقعات از نظام آموزشی خواهد شد که نتیجه آن کاهش نشاط آنها خواهد بود. آخرین عامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی پذیرش اجتماعی است. به نظر می‌رسد پذیرش

اجتماعی نتیجه و معلول علل فوق است. در واقع معتقدیم که اگر امید به آینده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی و سایر عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان تقویت شود، پذیرش اجتماعی خود به خود برای معلمان در جامعه محقق خواهد شد. در این صورت پذیرش اجتماعی سبب افزایش خودکارآمدی، عزت نفس، احساس هویت جمعی و همبستگی اجتماعی (حوزه اجتماع) معلمان خواهد شد و از این طرق بر میزان رضایتمندی و نشاط اجتماعی آن‌ها مؤثر است. همچنین نتایج مقایسه زوجی معیارهای نشاط اجتماعی معلمان مقطع ابتدایی بر اساس جنسیت نشان می‌دهد که زنان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و پذیرش اجتماعی را بیش از مردان و مردان امید به آینده، سطح تحصیلات و دینداری را بیش از زنان بر نشاط اجتماعی خود مؤثر می‌دانند. می‌توان گفت زنان بیشتر به دنبال اولویت‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند تا اولویت‌های فردی؛ به این معنا که هنوز زنان در جامعه ما از حداقل‌های حقوق اجتماعی بهره‌مند نشده و برای آنها پذیرش اجتماعی از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است. در حالیکه مردان با توجه به پیشینه و خاستگاه اجتماعی خود مسئله پذیرش اجتماعی را پشت سر نهاده و به دنبال موفقیت‌های فردی هستند. به عنوان مثال حضور و مشارکت معلمان زن در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه در مدارس به مراتب بیشتر از مردان مشاهده می‌شود. در تبیین اهمیت امید به آینده به عنوان یکی از اولویت‌های مهم مردان می‌توان به بار مسئولیت مستقیم مردان در قبال خانواده اشاره کرد که در آن مردان مجبورند در هر شرایطی نیازهای خانواده را تأمین کنند و زنان در این مورد نقش ثانویه‌تری برعهده دارند. امید به آینده را می‌توان به عنوان یک متغیر میانجی معنادار در ارتباط با سرزندگی و شادی در نظر گرفت و بعد ذهنی شادی با امید به آینده رابطه مستقیم دارد (Mine Myan & Orkide, 2022). همچنین در توضیح چرایی مهم بودن و اولویت سطح تحصیلات برای معلمان مرد می‌توان به نقش سطح تحصیلات در دسترسی به منابع قدرت، ثروت و منزلت اشاره کرد. در واقع سطح تحصیلات به تقویت سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده و تجسم‌یافته معلمان کمک می‌کند (عشایری و همکاران، ۱۴۰۲)؛ لذا معلمانی که احساس منزلت فرهنگی و پایگاه فرهنگی - اجتماعی بیشتری دارند به تبع نشاط بیشتری را تجربه خواهند کرد.

پیشنهادها و راهکارها

- زمینه‌سازی برای توسعه فعالیت‌های اجتماع‌محور، مدنی و داوطلبانه برای زنان معلم که در آن بتوانند اولویت‌هایی مانند پذیرش اجتماعی را در این زمینه محقق

- ساخته و به نوعی از رضایت نسبی زندگی دست یابند.
- برای تقویت پایگاه اقتصادی- اجتماعی معلمان باید هم جایگاه و منزلت اجتماعی - اقتصادی معلمان بالا رود و هم دستمزد و مزایای معلمان به اندازه سایر مشاغل برای پاسخگویی به نیازهایش کافی باشد؛ همچنین منزلت اجتماعی معلمان را باید از طریق راهکاری مختلف در سطح اجتماع ارتقاء داد.
- باتوجه به اینکه معلمان مرد تحصیلات را در بعد ابزاری آن وسیله‌ای جهت کسب جایگاه مادی آن در نظر دارند؛ پیشنهاد می‌شود که در رتبه‌بندی معلمان و در بحث دستمزد و پاداش اهمیت بیشتری به اعمال مدرک تحصیلی معلمان، صلاحیت‌های تخصصی و علمی آنها داده شود.
- طبق نتایج این پژوهش برگزاری مناسک مذهبی دینی در ایجاد روحیه شادی و نشاط معلمان مؤثر است. لذا پیشنهاد می‌گردد که این مراسم مذهبی به صورت داوطلبانه و از طریق نهادهای مدنی به صورت خودجوش برگزار شود. این امر می‌توان طیف وسیعی تری از معلمان را جذب نموده و کارکرد اجتماعی و فراغتی این نوع مناسک مذهبی می‌تواند از طریق ایجاد همبستگی اجتماعی به نشاط اجتماعی معلمان کمک کند.
- تشکیل بانک داده‌های نشاط و شادزیستی معلمان، شاخص‌سازی و طراحی مقیاس‌های بومی نشاط اجتماعی معلمان.

منابع و مأخذ

- ارجمندسیاه‌پوش، اسحاق، رضایپور، داریوش و حسن‌پور، خدیجه افرینه (۱۳۹۷). بررسی میزان نشاط اجتماعی نوجوانان تحت پوشش کمیته امداد خمینی شهرستان پلدختر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۳ (۲)، ۱۴۷-۱۶۲. <https://doi.org/10.22055/qjdsd.2019.14192>.
- اینکلهارت، رونالدو کریستین، ولزل (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- بارخدا، سیدجمال (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی نشاط و شادکامی و عوامل مؤثر بر آن و میزان تأثیر مهم‌ترین عوامل در بین معلمان مدارس، فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، ۴ (۲)، ۴۱-۵۵.
- بختیار نصرآبادی، حسنعلی و اعظم پهلوان، صادق (۱۳۹۱). تأثیر سطح تحصیلات آموزش برنامه شادی فوردایس بر افزایش نشاط، مطالعات روانشناسی تربیتی، ۹ (۱۵)، ۲۱-۴۰.
- چلبی، مسعود و موسوی، سیده‌محسن (۱۳۸۷). بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۲ (۹): ۳۴-۵۷.
- حسینی‌زاده، سیدسعید (۱۴۰۰). وضعیت نشاط اجتماعی در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات مرکز رصد فرهنگی کشور.

- حیدری ساریان، وکیل و یاری حصار، ارسطو (۱۳۹۶). عوامل مؤثر در بهبود نشاط اجتماعی از دیدگاه روستاییان، مطالعه موردی: شهرستان اردبیل، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، ۷(۲۵)، ۴۱-۵۴.
- خورسندی، مرتضی، علی بابایی، نسترن (۱۳۹۵). بیکاری بدتر است یا تورم، مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ۱۶(۶۳)، ۱-۲۴.
- خورشیدی، رضا (۱۳۹۳). درآمدی بر راههای ارتقاء نشاط اجتماعی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۶(۳): ۲۱-۴۰. دواس، دی. ای (۱۳۹۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی.
- رضادوست، کریم، فاضلی، عبدالله و مقتدایی، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۸(۴)، ۲۶-۴۹.
- ساعتی، توماس. آل (۱۳۹۷). نظریه و کاربردهای فرآیند تحلیل شبکه‌ای، ترجمه مجید عزیزی، امید حسین‌زاده و مرضیه حجازیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سجادیان، ناهید، نعمتی، مرتضی و دامن باغ، صفیه (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در اهواز، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۹)، ۷۹-۱۱۲.
<https://doi.org/10.22108/srsp.2020.119936.1464>
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه شناختی در دینداری و سکولار شدن، تهران: انتشارات طرح نو.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا، پوردانش، سامر و دانش، حسین (۱۳۹۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی معلمان (مطالعه موردی)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۱(۶)، ۱۸۶-۲۰۰.
- شریف‌زاده، حکیمه السادات، میرمحمدتبار، سیداحمد و عدلی‌پور، صفر (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی در ایران، نشریه راهبرد فرهنگ، ۱۷(۱۰)، ۱۵۹-۱۸۰.
- شهیدی، شهریار (۱۳۸۸). روانشناسی شادی: آشنایی با آخرین نظریه‌ها و پژوهش‌های علمی، تهران: نشر قطره.
- عارف، ابریشم، ساروخانی، باقر و کاشانی، مجید (۱۴۰۱). تأثیر اعتماد اجتماعی خانواده بر نشاط اجتماعی معلمان متأهل دبیرستان‌های شهر تهران در سال ۱۳۹۸، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۸(۲)، ۱۱۳-۱۳۷.
<https://doi.org/10.22034/jcsc.2022.524213.2337>
- عشایری، طاها و جهان‌پرور، طاهره (۱۴۰۱). عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌ها، راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۲(۱)، ۳۱-۶۶.
<https://doi.org/10.22034/scs.2022.155479>
- عنبری، موسی و شادمانه، ستایش (۱۳۹۲). الگوی مؤثر شادزیستی مردم در ایران، مجله انسان‌شناسی، ۱۱(۱۸)، ۱۰۱-۱۲۹.
- غلام‌زاده بهبهانی، شیرین (۱۳۸۵). دینداری موازی: مطالعه دلیل جامعه‌شناسانه پیدایش آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء.
- فرجی، طوبی و خادمیان، طلیعه (۱۳۹۲). بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۱۰(۴)، ۸۷-۱۰۲.
- گار، تدرابرت (۱۹۷۰). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: نشر پژوهش‌گده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در دوران معاصر، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی.
- موسوی، سیدمحسن (۱۳۹۶). تلخیص کتاب پژوهش و سیاستگذاری آن ماژرزاک، ترجمه هوشنگ نایی.
- هزار جریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تاکید بر استان تهران)، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۱)، ۱۱۹-۱۳۶.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۹). بررسی مفهوم شادکامی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۳(۲)، ۳۱-۷۲.
- یسپا (۱۳۹۹). گزارش نظرسنجی دیدگاه مردم در خصوص کرونا (مطالعه کشوری) موج سوم، تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

Anbari, Musa. (2012). Study of the fields and strategies to promote social vitality in Iran , Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. (In Persian)

Agan, Y., Sevinc, E., & Orhan, M. (2016). Impact of Main Macroeconomic Indicators on Happiness. *European Journal of Economic and Political Studies*, 2(2), 13-21.

Ahmadi, H. (2013). sociological study of social happiness and the relevant factors under study among the Piranshahr youth Master thesis in sociology, Islamic Azad University of Tabriz. (In Persian)

Alavi, S. (2009). Studying the relationship between feeling of happiness and the behavior of university students in Kerman, *Islamic Education*, 9(4), 95-132. (in persian)

Argyle, M., & Lu, L. (1990). The happiness of extraverts, personality and Individual Difference. to evaluative threat. *Journal of Personality and Social Psychology*, 11 (56), 257-226.

Arslan, Y. (2018). Ogretmenlerin farkliliklari yonetimi yaklasimlarina iliskin algilari ile orgutsel mutluluk algilari arasindaki iliski (Yayimlanmamis Doktora Tezi). Kocaeli Universitesi, Sosyal Bilimleri Enstitusu, Koc.

Ayyıldız, S., Kahveci, G. (2022). Iikogretim okulu ogretmenlerinin algilari ile orgutsel mutluluk iliskisi. *Journal of Pedagogical Research*, 1(1), 1-12.

Basu, R., & Thomas, M.D. (2019). what Makes College Students Happy? A Day Reconstruction Study. In: *Perspectives on Happiness*, 3(2), 29-40. doi/10.1163/9789004395794_006

Borgonovi, F. (2008). Doing Well by Doing Good: The Relationship between Formal Volunteering and Self-Reported Health and Happiness. *Social Science and Medicine*, (66), 2321-2334.

Carr, A. (2004). Positive Psychology, Hove and New York: BrunnerRoutledge, China. *Social Science & Medicine*, (64), 35-49.

Chang, W.C. (2009). Social capital and subjective happiness in Taiwan. *International Journal of Social Economics*, 36(8):91-179.

DOI: 10.1108/03068290910967118

Davis, James A. (1984). New Money, and Old Man/Lady and 'Two's Company': Subjective Welfafre in the Norc General Social Surveys, 1972-1982. *Social Indi-*

cators Research, (15), 319-350.

- De Vaus, D. A. (2012). Surveys in social research (H. Nayebi, Trans). Tehran: Nashreney Easterlin Richard A. Is reported happiness five years ago comparable to present happiness? A cautionary note. *Journal of Happiness Studies*. (3), 98-193.
- Direkvand, A., Delpisheh, A. (2014). Effect of infertility on the quality of life, a cross-sectional study. *J Clin Diagn Res*, 8(10), 13-15
- Elmi, M. (2014). Analyzing the explaining factors of social happiness among Islamic Azad University students in Tabriz: Due to sense of distributive justice, social relative deprivation and Social alienation . 1973 to 2004." *Social Psychology Quarterly* , 71(2), 257-280. (In Persian)
- Fromm, E. (1981). *Healthy community*, Translation: Akbar. Tabrizi, Behjat Press.
- Ghodsipour, H. (2016). *Analytical Hierarchy Process (AHP)*. Tehran: Amirkabir University of Technology. (In Persian)
- Hezarjaribi, J., & Safari Shali, R. (2010). Exploring the concept of social happiness and its effective factors (a case study in Markazi Province), *Planning, Welfare and Social Development Journal*, 3(2), 31-72. (In Persian)
- Hezarjaribi, J. (2011). Evaluation of social justice and its influencing factors (case study of Tehran), *Applied Sociology*, 23(3), 41- 62. (In Persian)
- Hoom, A. (2008). *A Short Introduction To Subjective Well-being: Its Measurement, Correlates And Policy Uses*, University of Rome 'Tor Vergata'. OECD Pub.
- Kaspersen, L. (2000). Anthony Giddens, an introduction in a social theorist, Blackwell publishers Lyubomirsky S, Sheldon K, Schkade D. Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Rev General Psych*. 2005, 9(2), 31-111.
- Majchrzak, A. (2014). Methods for policy research: Taking socially responsible action. published by sage
- Mine Myan, Y., & Orkide, B. (2022). Hope as a Mediator of the Link between Subjective Vitality and Subjective Happiness in University Students in Turkey. *The Journal Of psychology*, 12(9), 241-255. <https://doi.org/10.1080/00223980.2022.2028712>
- Myers, D. (2002). Happy & Healthy. [http:// abclocal. G. com/68- wls/ news/0128902- hs- happy healthy. Html](http://abclocal.G.com/68-wls/news/0128902-hs-happy-healthy.Html). mutluluk arasındaki ilişkinin incelenmesi. *Euroasia Journal of Social Sciences & Humanities*, 9(29), 15-31.
- Nanthamongkolchai S, Tuntichaivanit C, Munsawaengsub C, Charupoonphol P. Factors influencing life happiness among elderly female in Rayong Province, Thailand. *J Med Assoc Thai*. 2009;92(7), 8-12. [PubMed]
- Oishi, SH.&Koo, M. (2008). Culture, Interpersonal, and Happiness in Social Interactions, *Pers Soc PsycholBull*. 34(3), 307-320.
- Panahi, M. & Dehghani, H. (2012). Studying the factors affecting on the students' happiness with an emphasis on Period -Cohort Analysis. *American Sociological*

- Review 72, 204-226. (In Persian)
- Peterson, C. (2000). The Future of optimism, *American psychologist*, 55(1):44-55.
- Pressman, S. & Cohen, S. (2005). Does positive affect influence health? *Psychol Bull.*; 131(6), 925-971.
- Rasouli, Moslem, (2017). Study of the level of social vitality (happiness) among the citizens of Javanrood and the factors affecting it, Master Thesis, Payame Noor University, Central Tehran. (In Persian)
- Saaty, T. L. (2008). Decision making with the analytic hierarchy process. *Int. J. Services Sciences*, (1), 83-98.
- Schnittker, J. (2008). Diagnosing Our National Disease: Trends in Income and Happiness, social participation, *Journal of Iran Sociology*, the 23rd year, 23(3), 1-18.
- Seligman, E. & Danner, M. (2002). Very Happy People". *Psychological Science* (13), 4-81.
- Sharma, A. & Malhotra, D. (2010). Social-Psychological Correlates of Happiness in Adolescents: *European Journal of Social Sciences*, 12(4), 651-662.
- Snoep, L. (2008). Religious and happiness in three nation: a research note', *J Happiness stud*, (9), 207-211.
- Stephoe A, Wardle J, Marmot M. Positive affect and health-related neuroendocrine, cardiovascular, and inflammatory processes. *Proc Natl Acad Sci U S A*. 2005;102(18):6508-12. [PMC free article] [PubMed]
- Stevenson, Betsey and Justin Wolfers. 2008. "Happiness Inequality in the United States. *Journal of Legal Studies*, (37), 533-579.
- Tanner-Smith, E, Finch, A.J. Hennessy; E. A. & Moberg, D. P. (2019). Effects of recovery high school attendance on students mental health symptoms". *International Journal of Mental Health and Addiction*, 17(2), 181-190. <https://doi.org/10.1007%2Fs11469-017-9863-7>
- Tov, William, Diener, Ed. (2009). The well-being of Nations: Linking Together Trust, Cooperation and Democracy. *Social Indicators Research Series*, (37), 155-173. http://dx.doi.org/10.1007/978-90-481-2350-6_7.
- UNESCO, (2021). Happy Schools guide and toolkit: a resource for happiness, learners' well-being and social and emotional learning. Bangkok :UNESCO Office Bangkok. <https://healtheducationresources.unesco.org>
- Veenhoven, R. (1993). *Data book of happiness*, New York: Reidel publishing company.
- Yang, Yang. (2008). Social Inequalities in Happiness in the United States, 1972 to 2004: An Age-period - Cohort Analysis, *American Sociological Review*, 73(2), 204-226. <https://doi.org/10.1177/000312240807300202>.
- Zingerle, A. (2000). Simmel on happiness, *journal of happiness studies*, 1(4), 465-477.